

مستند دراماتیک

«آگیرا» به روایت سازنده‌اش



محمدصادق اسماعیلی



قصه این فیلم در حاشیه شهر کرمان شکل می‌گیرد و درباره پسری به نام علی است که در همان روز تولد، از یکی از بیمارستان‌های این شهر ربوده می‌شود. علی سال‌ها با افرادی زندگی کرده که خود را خانواده‌اش معرفی می‌کردند، اما در حدود ۲۰ سالگی متوجه می‌شود این افراد در واقع ربایندگان او بوده‌اند و از همین نقطه، مسئله هویت به مهم‌ترین دغدغه و محور زندگی‌اش تبدیل می‌شود. فرایند پژوهش و فیلمبرداری «آگیرا» از سال ۱۳۹۹ آغاز شد و نزدیک به ۵ سال به طول انجامید. از همان ابتدا تلاش کردیم خیلی زود وارد زندگی سوژه شویم و این مسیر را به صورت پیوسته و بلندمدت دنبال کنیم تا جست‌وجوی علی برای یافتن نشانه‌ای از هویت واقعی‌اش، در دل زمان و تحولات زندگی‌اش روایت شود. کلیت درام فیلم بر تلاش انسانی یک فرد برای بازشناسی خود، گذشته‌اش و جایگاهش در جامعه استوار است. یکی از مهم‌ترین چالش‌های ما، وضعیت روحی و روانی سوژه بود. علی در شرایطی به شدت پر تنش قرار داشت و فشارهای روانی ناشی از بی‌هویتی، باعث می‌شد در مقاطعی از وضعیت عادی خارج شود. در سینمای مستند اجتماعی، فیلمساز همواره با این مسئله مواجه است که تاچه حد می‌تواند به لایه‌های مختلف روانی، اجتماعی و زیستی سوژه نزدیک شود و این توازن، کار بسیار دشواری است. پرونده علی وارد دستگاه قضایی شد و روند آن بسیار حساس و چندلایه بود. حمایت و همراهی دستگاه قضایی استان کرمان، نقش بسیار مهمی در امکان ادامه مسیر پژوهش و ساخت فیلم داشت. اگر این همکاری و همراهی وجود نداشت، عملاً امکان ساخت «آگیرا» فراهم نمی‌شد و این حمایت، از نظر من شایسته توجه و قدر دانی است. این فیلم ساختار دراماتیک روشنی دارد و می‌تواند حتی برای مخاطبانی که به قصد سرگرمی وارد سالن می‌شوند، جذاب باشد. همذات‌پنداری با شخصیت‌ها، دنبال کردن یک روایت واقعی و مواجهه با مسائل اجتماعی ملموس، از ویژگی‌های ذاتی مستند است که می‌تواند مخاطب را تا پایان با خود همراه کند. سینمای مستند، حتی اگر مخاطب محدودتری داشته باشد، می‌تواند در همان مقیاس نیز اثرگذار باشد. امیدوارم افزایش امکان نمایش و گفت‌وگو درباره مستندها، به تدریج به تقویت باورپذیری مخاطب و جایگاه اجتماعی این گونه سینمایی منجر شود؛ چرا که مستند، بیش از هر چیز، تلاشی برای گفت‌وگو با جامعه و بازتاب واقعیت انسانی است.



متفاوت‌ترین فیلم جشنواره را ساخته‌ایم

گفت‌وگو با جواد حسینی، کارگردان فیلم «رقص باد»

شقایق عرفی‌نژاد

چند دهه اخیر می‌داند. حسینی پیش از این به عنوان دستیار و برنامهریز و در کارهای دیگری به عنوان کارگردان دوم حضور داشته است، از جمله سریال‌های «چک برگشتی»، «مادرانه»، «عاشقانه» و این اواخر سریال «الگوریت». با او درباره نخستین فیلمش با بازی علیرضا شجاع نوری، سودابه بیضایی، ماهور الوند و رضا تامری صحبت کردیم.

برسید؟

جسته‌گریخته چیزهایی دیده‌ام که فیلم‌های عجیب و غریبی نبوده‌اند. درباره فیلم‌اولی‌ها هم نقدهایی خوانده‌ام، اما خودم فیلمی ندیده‌ام.

درباره ایده فیلم و پرداخت آن صحبت کنیم.

ایده فیلم متعلق به آکو زنده‌ریمی است که با هم به آن رسیدیم. اما آنچه روی پرده می‌بینید با آن ایده اولیه خیلی متفاوت است. آن ایده را وقتی به تهیه‌کننده دادیم، با کلیت آن موافق بود و قرار شد گسترش پیدا کند و نکاتی هم که تهیه‌کننده پیشنهاد داده بود در آن گنجانده شود. با بیژن میرباقری که مشاور من در پروژه بود، همفکری کردیم و در نهایت به یک ایده اولیه کامل رسیدیم و حسین مهکام آن را نوشت. اگر این فیلم یک توضیح یک خطی داشته باشد، این است که گاهی مجبوری برگردي، حتی اگر خیلی دور شده باشی.

شما بازیگران شناخته‌شده‌ای دارید و به خصوص علیرضا شجاع نوری پس از مدت‌ها با فیلم شما دوباره به بازیگری برگشته است.

آقای شجاع نوری نخستین بازیگری بود که انتخاب شد. روزی که او به دفتر آمد در همان لحظه اول دیدم یونس فیلم ما پیدا شده است. در وجات و چشم‌هایشان یونس را دیدم و به آقای صفری، تهیه‌کننده گفتم من هیچ کس دیگری را برای این نقش نمی‌خواهم. نخستین کسی بود که با او به توافق رسیدیم و بسیار بازیگر حرفه‌ای و انسان شریفی است. در همان لحظه‌ای که در دفتر او را دیدم تا آخر کار پای آن ایستاد و با نقش زندگی کرد. حتی ساعت ۲ نیمه‌شب به من پیام می‌داد و از ایده‌هایش برای نقش می‌گفت. با خودم تحسینش می‌کردم که اینقدر درگیر کار است. خانم الوند و بیضایی هم هر دو بسیار همراه بودند و در جلسات دورخوانی ایده‌های بسیار خوبی می‌دادند. به نظر من، فیلمسازی یک کار گروهی است و اینطور نیست که فقط نظر من به عنوان کارگردان مطرح باشد. من تمام پیشنهادها را گوش می‌کنم. اگر به کار آمد، اجرا می‌کنم، وگرنه توضیح می‌دهم که به این دلایل این پیشنهاد مناسب نیست.

فکر می‌کنید روز اکران فیلم در جشنواره چه اتفاقی برایتان بیفتد؟

من می‌دانم متفاوت‌ترین فیلم جشنواره را ما ساخته‌ایم. هم از نظر فضایی که سمت آن رفتیم و هم از نظر جغرافیایی که در فیلم هست و هم مضمونی که به آن پرداخته‌ایم فیلم متفاوتی است. من از تمام عوامل پروژه تشکر می‌کنم.

جواد حسینی یکی دیگر از فیلمسازانی است که نخستین تجربه کارگردانی‌اش امسال در جشنواره نمایش داده می‌شود. «رقص باد»، آنطور که سازنده‌اش می‌گوید، یک عاشقانه است با ریتمی کند که آن را تجربه جدیدی در سینمای ایران در

تجربه نخستین فیلم برایتان چطور بود؟

ما سراغ سوژه‌ای رفتیم که در چند سال اخیر در سینمای ایران وجود نداشته است. بچه‌هایی که نخستین فیلمشان را قصد دارند بسازند یا مجبور می‌شوند سراغ سوژه‌ای کم‌دردی بروند یا فیلم‌های ملودرام اجتماعی پایین‌شهری یا ضرابهنگ بالا یا سوژه‌های سیاسی را انتخاب می‌کنند. ولی ما یک فیلم عاشقانه با ریتم کند و در ژانر رئالیسم جادویی کار کردیم که برای من ویژگی مثبتی محسوب می‌شود.

برای ساخت فیلم با چه مشکلاتی روبه‌رو بودید؟

مهم‌ترین مشکل برای تقریباً تمام فیلمسازان جذب سرمایه است. حتی کارگردانان بزرگ هم این چالش را دارند و طبیعی است برای کارگردانی که فیلم اولشان را کار می‌کنند مشکل بسیار بزرگ‌تر است. مشکل بعدی برای من همین رئالیسم جادویی بود که سراغش رفته بودم. چون در ایران این سبک کمتر کار می‌شود و ناشناخته است، در بسیاری از مواقع عوامل به من می‌گفتند منطق ندارد. در صورتی که رئالیسم جادویی منطق خودش را دارد.

جشنواره امسال مثل ۲ سال گذشته پر از فیلم‌اولی است.

به نظر تان این اتفاق چطور است؟

پیش از این، بخش نوعی نگاه را داشتیم که ۱۱ فیلم قبول می‌کرد و از میان آنها ۴ یا ۳ فیلم به بخش سودای سیم‌راه پیدا می‌کرد. اما امیدوارم شرایط جدید برای ما فیلم‌اولی‌ها به دلیل کیفیت فیلم‌ها باشد و مثلاً از کارگردانی که چند فیلم ساخته فیلم بهتری ساخته باشیم که در جشنواره پذیرفته شده است.

خودتان فیلمی در جشنواره دیده‌اید که بتوانید در این باره به نتیجه‌ای



«رقص باد» هم از نظر فضایی که سمت آن رفتیم و هم از نظر جغرافیایی که در فیلم هست و هم مضمونی که به آن پرداخته‌ایم فیلم متفاوتی است